

## عنوان مقاله:

مطالعه تطبیقی «گوریل پشمالو» و «سگ ولگرد» از منظر هستی گرایی سارتر

## محل انتشار:

نهمین همایش ملی متن پژوهی ادبی (سال: 1400)

تعداد صفحات اصل مقاله: 18

## نویسندگان:

اشکان شریعت - دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات نمایشی، دانشگاه تربیت مدرس

اسماعیل نجار - استادیار گروه ادبیات نمایشی، دانشگاه تربیت مدرس

## خلاصه مقاله:

قرن بیستم از یک سو نوید بخش تحقق آرمان خواهی های قرن پیش از خود و از یک سو در برگیرنده آوار جنگ، مصائب صنعت و در خودماندگی انسانها بود. در میان طیف قابل توجهی از نظریات و تحلیل های فلسفی این عصر، بی شک هستی گرایی سارتر تأثیر قابل توجهی بر متفکران و ادیبان سراسر جهان گذاشت. در این بستر و در میان انبوه آثار ادبی تولید شده در نیمه نخست قرن بیستم، یک سری متون بیش از تأثیرپذیری صرف و پرداختن به مصائب انسان معاصر، دارای شباهت های ساختاری و موضوعی اند منجمله نمایشنامه ی «گوریل پشمالو» اثر یوجین اونیل و داستان کوتاه «سگ ولگرد» به قلم صادق هدایت. این دو متن به فاصله ی بیست سال از هم در دو سوی جهان خلق شده اند و به نظر نمی رسد هیچ ارتباطی از حیث تأثیر گذاری و تأثیر پذیری مستقیم میان این دو اثر قابل ردیابی باشد، اما آنچه تطبیق پیش رو را ممکن کرده مقاله ی «بحران ادبیات تطبیقی» نوشته ی رنه ولک است که فعالان حوزه ی ادبیات تطبیقی را به تکاپو واداشت تا با نگاهی جدید به مبحث ادبیات تطبیقی بنگرند و آن را ورای تأثیرگذاری و تأثیرپذیری مستقیم مورد پژوهش و تحقیق قرار دهند. در ذیل این تکاپو یک میانجی فلسفی نیاز است که محور و رشحاتش در بطن و ساختار آثار مورد تطبیق مشاهده شود. مسئله ی تقدم وجود بر ماهیت در هستی گرایی سارتر که بر مبنای آن انسان نخست وجود دارد و سپس به ماهیت خود پی میبرد در هر دو این آثار ادبی کاملاً مشهود و قابل تحلیل و بررسی است.

## کلمات کلیدی:

هستی گرایی، ژان پل سارتر، ادبیات تطبیقی، رنه ولک، سگ ولگرد، صادق هدایت، گویل پشمالو، یوجین اونیل

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1245576>

